

پیشنهاد ایجاد سازوکار سرپرستی محصلین ایرانی در اواخر دوره قاجار توسط هانری رنارد مدیر مدرسه لقمانیه تبریز

● مهرداد فردیار*

اشاره

هانری رنارد فرانسوی از معلمان و مدیران یکی از مهم‌ترین مدارس جدید شهر تبریز، یعنی مدرسه لقمانیه قبل از نهضت مشروطه و مدیر داروخانه اقدسیه در سال ۱۳۲۵ ق. / ۱۲۸۶ ش است. پیشنهادی از طرف وی برای مدیریت دانشجویان ایرانی مقیم پاریس در اواخر دوره قاجار منتشر شده است که نکات جالب توجهی درباره ناکارآمدی شیوه تحصیل دانشجویان، وضعیت و مشکلات دانشجویان ایرانی در پاریس، به همراه راهکارهایی برای برطرف کردن آن دارد. وی مهم‌ترین مشکل را سرپرست نداشتن دانشجویان می‌داند و تأکید بر اعزام محصلین به شهر پاریس به‌جای سایر کشورهای اروپا دارد. این سازوکار پیشنهادی با عنوان «لایحه‌ای است که مسیو هانری رنارد فرانسوی مدیر مدرسه لقمانیه تبریز در باب تأسیس دارالتربیه مخصوصی در پاریس محض دلالت و ارشاد نوجوانان ایرانی برای تحصیل علوم نگاشته است» در انتهای کتاب چاپ سنگی، «بدایه‌القرایه» تألیف مولف‌الدوله در سال ۱۳۲۸ ق. (۱۲۸۸ یا ۱۲۸۹) ش. منتشر شده، که نقطه عطف آن جزییات مربوط به مؤسسه‌ای به نام «دارالتربیه لقمانیه پاریس» برای ساماندهی محصلان ایرانی در خارج از کشور است.

با توجه به اهمیت مطالب این رساله در توصیف مشکلات اعزام محصلین به خارج از کشور در آن دوره و راهکارهای پیشنهادی مؤلف فرانسوی، به بازنشر آن می‌پردازم، هرچند سود و منفعت شخصی ایشان را در این پیشنهاد نباید نادیده گرفت، اما نظراتش درباره بیان مشکلات محصلان ایرانی در خارج از کشور، خواندنی و قابل تأمل است.

□ مقدمه

پس از شکست‌های ایران در جنگ با کشور روسیه، عباس میرزا و قائم‌مقام فراهانی، به دنبال راه‌هایی برای خروج ایران از بن‌بست عقب‌ماندگی‌ها به راهکارهایی نظیر استخدام اروپاییان جهت آموزش نظامیان، اعزام محصلین ایرانی به اروپا روی آوردند. اعزام محصل به اروپا از سلسله اقداماتی است که از آن به‌عنوان اصلاحات یاد می‌شود (بیگدلی و قلاوند، ۱۳۹۳: صص ۲-۳) و از آن دوره به بعد افرادی برای تحصیل به خارج از کشور اعزام شدند.

علاقمندی به سفر فرنگ محدود به دانشجویان و صنعتگران نبود و افراد دیگر از جمله ناصرالدین شاه قاجار مدت‌ها قبل از سفر نخست فرنگ (۱۲۹۰ ق.) یعنی در سال ۱۲۴۶ ش. (۱۲۸۳ ق.) در فکر چگونگی انجام این سفر بوده است و بسیاری از ایرانیان که خواهان پیشرفت کشور بودند یکی از راه‌ها را سفر ناصرالدین شاه به کشورهای اروپایی می‌دانستند. (فردیاری، ۱۳۹۳: صص ۱۰۶ و ۱۰۹-۱۱۰) در دوره ناصرالدین شاه تعداد دانشجویان اعزامی نسبت به قبل افزایش بیشتری یافت و فرزندان برخی از اعیان، اشراف و یا درباریان نیز برای تحصیل به خارج از کشور رفتند و بعدها شرایط، مقررات و قوانینی برای این کار تدوین شد. (مرادی‌نژاد و پژوم شریعتی، ۱۳۵۳: صص ۹۷ و ۹۹-۱۰۱) موضوع فرستادن دانشجویان به خارج از کشور از دوره قاجار تاکنون یکی از موضوعات جذاب و مورد توجه پژوهشگران و علاقتمندان به تحصیل بوده و هست.

□ دانشجویان ایرانی در فرانسه:

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آموزش همگانی هنوز به معنای واقعی در ایران سازمان نیافته بود و دانشجویان ایرانی که مایل به ادامه تحصیلات عالی بودند، به‌رغم مشکلات متعدد ناچار راه اروپا را پیش می‌گرفتند. از آن‌جا که اکثریت قریب به اتفاق این دانشجویان زبان فرانسه فراگرفته بودند، مقصد آنان کشور فرانسه یا کشورهای فرانسه زبان مانند بلژیک و سوییس بود. (غفاری، ۱۳۶۸: ۱۷۷) اما حتی بعد از کودتای سوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ ش. مشکلات دانشجویان به خصوص دانشجویان غیر دولتی همچنان ادامه داشته است. برای ارزیابی اوضاع علمی دانشگاه‌های فرانسه و میزان موفقیت محصلین ایرانی و مقایسه با دیگر کشورهای فرانسه که دانشجویان به فرانسه اعزام کردند، سفارت ایران در فرانسه کمیسیونی با شرکت محمد قزوینی، دکتر کتابچی‌خان تشکیل و برای یاری و همفکری آقایان ابوالحسن فروغی، سرهنگ علی رضایی در این کمیسیون همکاری می‌نمایند. (شهرضایی، ۱۳۸۲: ۶۹)

در ادامه به برخی از موارد مشکلات دانشجویان در خارج از کشور اشاره می‌شود: نامه محمدعلی‌خان سرتیپ کاردار سفارت ایران در لندن به وزیر امور خارجه در دوم

در اواخر قرن
نوزدهم و اوایل
قرن بیستم آموزش
همگانی هنوز به
معنای واقعی دارای
سازمان نیافته بود

ذی‌قعدة ۱۲۸۲ق. (۱۲۴۴ ش.) درباره نرسیدن حقوق و مخارج یک سال ونیم کارکنان سفارت و دانشجویان دولتی^۱ (صفایی، ۱۳۵۳: ۱۱)

نمایشنامه «جمشید ناکام» یا «داستان بیچاره‌زاد» اثر میرزاده عشقی که به تاریخ نهم جمادی‌الاول سال ۱۳۳۳ق. (۱۲۹۴ ش.) تألیف شده است که درباره زندگی فلاکت‌بار دانشجویان اعزامی به اروپا در سال‌های اوج‌گیری جنگ جهانی اول است. (میرانصاری، ۱۳۷۶: صص ۳۲-۳۳)

طبق نامه‌ها و گزارش‌های محمد علی‌خان (هفتمین فرزند ممتحن‌الدوله) به پدرش، وی از روز ورود به پاریس مرتباً به پدرش از دیر رسیدن یا نرسیدن هزینه تحصیلی شکوه و شکایت داشته و در تمام نامه‌ها از طرز رفتار ممتاز السلطنه شکایت کرده و راه چاره می‌خواسته و تقاضای بازگشت به ایران را نموده بود. با تعطیلی مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های پاریس به علت شروع جنگ جهانی اول و حمله آلمانی‌ها، وضعیت زندگی در پاریس روزه‌روز سخت‌تر و گران‌تر شده بود و محمدعلی خان چندین مرتبه به سفارت ایران مراجعه و تقاضای کمک و مساعدت نموده و جواب یاس‌آور شنیده بود و شدیداً در مورد خورد و خوراک روزانه مستأصل شده بود. بالاخره داوطلبانه وارد ارتش فرانسه شد و در جبهه جنگ آمین^۲ کشته شد. (خانصاقي، ۱۳۶۲: صص ۳۴۵-۳۴۶)

ارزیابی‌های دقیقی از اعزام محصلین به اروپا در دست نیست، شاید یکی از نمونه‌های آماری مربوط به تحقیق قدیمی «پژوهشی درباره فرستادن دانشجو به خارج در دوره قاجار و پهلوی» است. از نمونه‌های مربوط به دوره قاجار «لایحه‌ای است که مسیو هانری رنارد فرانسوی مدیر مدرسه لقمانیه تیریز در باب تأسیس دارالتربیه مخصوصی در پاریس محض دلالت و ارشاد نوجوانان ایرانی برای تحصیل علوم نگاشته است» و «ناله متعلمین» نام دارد. این دو اثر مربوط به دوره پس از مشروطه است که مورد اول توسط هنری رنارد و دومی توسط یک ایرانی منتشر شده است. در بین اسناد می‌توان به تک‌نگاره‌ها و اسنادی در این زمینه از جمله از آقای «عیسی صدیق» و اسناد مندرج در مقاله «اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار» (پویان مهر، ۱۳۹۰) اشاره کرد.

عباس اقبال به آینده اغلب تحصیل‌کردگان در پاریس امیدی ندارد، هرچند از موضوع تخصیص اعتبار برای اعزام دوازده نفر محصل به اروپا استقبال می‌کند و مخاطب او دو گروه هستند: اولیای وزارت معارف و اولیایی که می‌خواهند فرزندانشان را به پاریس بفرستند. (اقبال، ۱۳۰۵: ۱۸۰) و درباره فریبندگی‌های پاریس و تأکید بر قرار دادن سرپرست برای محصلین که مواظب تحصیل و رفتار و حرکات آن‌ها باشد. (اقبال، ۱۳۰۵: صص ۲۳۶-۲۳۷) موضوع اعزام سرپرست همراه با محصلین با عبارات و تعبیرهای مختلف نظیر «عاقل

۱. همان‌طور که مشاهده می‌شود، موضوع عدم تأمین و ارسال هزینه دانشجویان، در دوره قاجار فقط مختص دانشجویان اعزامی به کشورهای فرانسه‌ای زبان نبوده است.

2. Amiens

و ریش سفید^۱، «سرپرست برای محصلین» و ... در متون دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی مشاهده می‌شود.

□ لایحه مسیو رنارد

این لایحه در انتهای کتاب چاپ سنگی «بدایه‌القرایه» مشتمل بر یک‌صد و ده حکایت و پند تألیف مولف‌الدوله چاپ‌شده است. تاریخ کتابت این کتاب، سال ۱۳۲۸ هـ.ق است. زنده‌یاد حسن ذوالفقاری^۲ بدون اشاره به این لایحه، کتاب را چنین توصیف کرده است: «بدايةُ القرائة، کتابی نوشتهٔ عبدالحسین بن محمود زند (مولف‌الدوله^۳)، شامل ۱۱۰ حکایت کوتاه آموزشی برای کودکان. چنان‌که از نام کتاب پیداست، بادیة القرائة برای تمرین قرائت است. کتاب در ۱۳۲۸ ق. تألیف و به خط مرتضی حسینی‌برغانی نوشته شده است.

مؤلف در پایان هر حکایت به تناسب کلام، قطعه شعری هم آورده که اغلب سرودهٔ خود اوست. در مواردی محتوای اشعار سعدی را در شعر خود با بیانی متفاوت درج کرده است. نثر کتاب یک‌دست، بی‌عیب و به سبک متون کهن و به همراه انواع آرایش‌های کلامی چون سجع و جناس و تشبیه نگاشته شده است. نویسنده در ساختار و محتوای اثر به سبک گلستان سعدی، که کتابی مکتب‌خانه‌ای بوده، نظر داشته است.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۸)

بیشتر آقای سرمد این لایحه را در کتاب بدایه‌القرایه شناسایی و به آن اشاره مختصری کرده‌اند:

«مخصوصاً در لایحه مسیو هانری رنارد فرانسوی این موضوع به تفصیل زیادتری بررسی شده و هر چند نویسنده به قصد تبلیغ و احتمالاً پیدا کردن ممر درآمد برای خودش این لایحه را عنوان کرده، اما در هر صورت نظراتش خواندنی و قابل ملاحظه است، مضافاً این‌که او تنها غیر ایرانی است که در این زمینه نظراتش به دست محقق

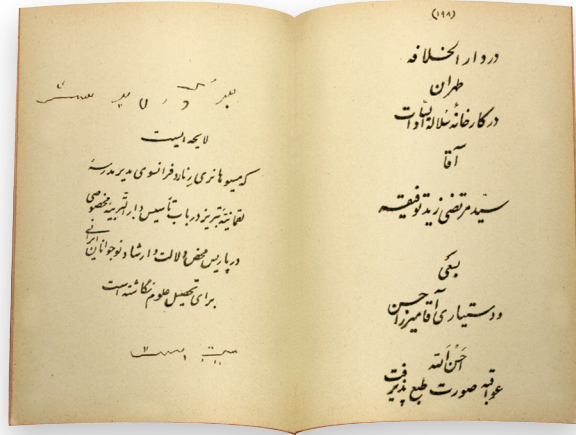
۱. در دوره محمدشاه قاجار، محمدعلی پاشا درخواست کرده بود که پنجاه نفر دانشجو حتی‌المقدور نجیب زاده به‌همراه دو نفر عاقل و ریش سفید جهت تحصیل عازم قاهره باشند تا در مصر جای بحث نباشد که بنابه دلایلی این سفر انجام نگرفت. ر.ک: آدمیت، فریدون، ۱۳۴۰، فکر آزادی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: انتشارات سخن، ص ۴۰.

۲. با زنده‌یاد دکتر حسن ذوالفقاری (۱۳۴۵-۱۴۰۱) ش. پژوهشگر استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی چند بار ملاقات داشتم و در جلسه اول با ایشان از مشکلات پژوهشگران آزاد جهت دسترسی به اسناد و منابع مراکز اسنادی، به‌دلیل نداشتن معرفی‌نامه صحبت کردم. در همان جلسه به من وعده داده دادند که برای هر مجموعه‌ای نیاز به معرفی‌نامه داشته باشم، ایشان برایم از طریق فرهنگستان صادر خواهند کرد. هرچند بعدها نیازی به انجام این کار پیدا نکردم، اما این خاطره روحیه همیاری، مساعدت و منش دکتر ذوالفقاری برای همیشه در ذهنم نقش‌بست. یادشان گرامی باد.

۳. نگارنده از چگونگی آشنایی و رابطه عبدالحسین‌خان مولف‌الدوله با رنارد و دلیل درج لایحه رنارد در کتاب «بدایه‌القرایه» اطلاعی ندارد. اما ممکن است بی‌ارتباط با سابقه تألیف دیوان اعتصامیه (نصاب از فرانسه به فارسی) توسط عبدالحسین‌خان مولف‌الدوله نباشد. نسخه چاپی کتاب دیوان اعتصامیه در سال ۱۳۲۰ ق. (۱۲۸۱ ش.) منتشر شده است.

رسیده و چون علل الاصول انتظار نداریم از زبان این گونه اشخاص چنین حرف‌هایی بشنویم، برای ما جالب توجه تر است.» (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۴۲)

رساله به رسم الخط امروزی بازنویسی و از علامت { } برای نشان دادن شماره صفحات و از علامت [] برای اصلاح خطاهای راه یافته در متن اصلی استفاده شده است. بخش لایحه پیشنهادی رنارد با خط نستعلیق ریزتر نسبت به متن اصلی کتاب نوشته شده است.



تصویر ۱. صفحه پایانی کتاب «بدایه القرايه» و صفحه نخست لایحه مسیو رنارد فرانسوی در (مؤلف الدوله، ۱۳۲۸ ق.، صص ۱۹۸-۱۹۹)

◆ [متن لایحه]

لایحه‌ای است که مسیو هانری رنارد^۱ فرانسوی مدیر مدرسه لقمانیه تبریز در باب تأسیس دارالتربیه مخصوصی در پاریس محض دلالت و ارشاد نوجوانان ایرانی برای تحصیل علوم نگاشته است. {بدون شماره} هر چند که اینک عده زیادی از نوجوانان ایرانی برای تحصیل در پاریس اقامت دارند، اما برخلاف مخارج گزافی که اولیای ایشان محض تحصیلات آن‌ها صرف می‌نمایند، تحصیلات آن‌ها چندان مثمر ثمر نیست و غالب این نوجوانان بدون آنکه تحصیل خود را به حد کمال رسانیده باشند به ایران مراجعه می‌نمایند و خیلی به ندرت دیده می‌شود که علم و فنی را به تکمیل رسانیده باشند. در سنه ۱۸۹۰^۲ [میلادی] که این حقیر در پاریس با محصلین ایرانی آشنایی به هم رسانیدم. شماره زیادی از شاگردان ایرانی در مدارس مختلفه علمیه به تحصیل طب مشغول بودند و بعد از آن سال بر عده آن‌ها افزوده گشت. اینک ملاحظه بفرمایید که پس از انقضای هیجده سال چند نفر از آن جماعت باید

1. Henri Renard

۲. حدود سال ۱۳۰۷ ق. و ۱۲۶۸ ش.

سایر علوم و علم طب را تکمیل کرده و در ایران مشغول به عمل آن‌ها باشند. افسوس که از آن‌ها شماره مذکور بیش از پنج [یا] شش نفر صاحب دیپلم نشده و از میان این‌همه نفوس همین چند نفر فقط لقب دکتری یافتند و باقی دیگر از فیض علوم محروم مانده و خائب^۱ {۱} و خاسر^۲ به وطن خود مراجعه نمودند. دلیل این محرومیت بیش از یک چیز نبوده و نیست و آن نداشتن هادی و رهنما است و الا جوانان ایران مثل دوستان خودشان فرانسوی‌ها، همه هوشیار و با شعور و مایل به تحصیل علوم و رسیدن به مقامات عالیه هستند و در احساسات طبیعی آن‌ها نقصانی نیست و اولیای ایشان از مخارج لازم برای تحصیل آن‌ها مضایقه نمی‌نمایند. لیکن این اسباب‌های مساعده به‌واسطه فقدان هادی و رهنما، بی‌اثرو بی‌حاصل می‌ماند و دلیل این مطلب آن است که چون نوجوانان ایرانی وارد پاریس می‌شوند از دیدن یک وضع دلپسند و یک عالم آزادی دیگری که در طفولیت سیر نکرده بودند به‌واسطه جلب سوق طبیعت جوانی عنان اختیار نفس از کف قدرت آن‌ها بیرون رفته و چون قدر و قیمت پول را نمی‌دانند غالباً در یک هفته اول وجه معیشت چندین ماهه را بیهوده خرج نموده، یا این است {۲} که نقدینه خود را در هوای نفس صرف می‌کنند یا طرارهای فرنگستان در اندک مدتی کیسه آن‌ها را خالی می‌سازند و تا بخواهند ملتفت شوند که برای چه کار به پاریس آمده بودند پولی که بخواهند به مدرسه وارد شوند، برای آن‌ها باقی نمانده است و اگر پس از چندی عمر بیهوده تلف کردن به بعضی واسطه و وسایل خود را در مدرسه جا می‌دهند محض پریشانی حواس، تحصیل برای آن‌ها نهایت اشکال را یافته و همیشه از همگنان خود عقب مانده، درس‌های عمومی ایشان مختل و ناقص گشته و محتاج به درس‌ها و مباحثات ثانویه می‌شوند و چون به‌واسطه فقدان مایه این مطلب برای آن‌ها امکان نمی‌یابد از عهده امتحان اول بیرون نخواهد آمد و همین قدر که این لطمه نخستین تحصیل آن‌ها را عقب انداخت، ذوق و شوقی برای آن‌ها باقی نمانده، کوشش آن‌ها روی به فتور^۳ آورده و قوت قلب ایشان مبدل به عجز گشته و چون همیشه همدردان خود را بیش از خود بیابند {۳} به کلی از تحصیل سرد و بی‌میل شده، صراحتاً ترک تحصیل و مدرسه را کرده به پیروی هوای نفس می‌پردازند و چون اقامت در پاریس مسلماً برای همه کس به‌خصوص نوجوانان خیلی طرب‌انگیز است، قصد اقامت نموده همه روز به اولیای خود مکتوبات می‌نویسند و ایشان را به این عبارات معلومه می‌فریبند که آنی از تحصیل فراغت نداریم و در کمال سعی و کوشش همت به تحصیل گماشته گوی سبقت را از میدان همدردان ربوده، الحمدلله در همه امتحانات، در نمره اول واقع شده‌ایم و جز علم طب در اغلب شعبه‌های علوم طبیعی به درجه کمال رسید. عن‌قریب دیپلم معلمی در کلیه علوم بدست آورده، با سرافرازی و افتخار تمام به وطن عزیز مراجعت کرده، به زیارت خاک پای پدر بزرگوار مشرف خواهیم

۱. نا امید، بی‌بهره

۲. زیانکار

۳. سستی و بی‌حالی، کوتاهی

گشت. معلوم است که چون مخارج ولگردی و تفرج بیش از مخارج تحصیل است چند سالی به طلبیدن پول‌های گزاف و قرض و سایر اسباب‌چینی‌ها به هوای نفس گذرانیده و چون اقوام او از {۴} مخارج فوق‌العاده به تنگ آمده و راه زندگی برای او مسدود گشت و سن نوجوانی خود را در هوا و هوس صرف کرده و مردی بی‌بهره از کمالات بار آمد، عزم مراجعت به ایران کرده و معلوم است که طفلی چند سال در پاریس با همه نوع مخلوق معاشرت کرده باشد، شاید تقریبی شده و زبان فرانسه را در کمال طلاقت و غلظت حرف نمی‌زند. چندین اصطلاحات علمیه را هم که محض شیادی زیر چاق کرده، در ورود به وطن داخل سخنان خود می‌سازد و چون ماشاالله علم و هنر در ایران میوه نزدیک به نایاب است پدر و مادر و اقوام و عشایر و رفقای او از فرط بی‌تمیزی شاه اندازی‌های^۱ او را باور کرده و ستایش‌هایی که از تحصیلات خود می‌کند، تصدیق می‌نمایند. این حقیر خود چندین نفر را می‌شناسم که اغلب مردم آن‌ها را صاحب دیپلم دکتری و یگانه روزگار می‌دانند و حال این‌که گذشته از آنکه تحصیلات خود را کامل نساخته‌اند، می‌توانم به جرات بگویم که رایحه علم طب به مشام آن‌ها {۵} نرسیده است. اما غالباً دل خود را با این حرف خوش می‌سازند که در مملکت کوران، واحد العین سلطان است. اما اگر یک شخص کافی و با وقوفی برای دلالت و راهنمایی این نوجوانان معین گردد، کار بدین سبک و سیاق نمی‌گذرد و این نوجوانان بدون مشقت بی‌پایان تحصیلات خود را به درجه کمال رسانیده، به مقامات عالیه فایض گشته [اند و] پول‌های گزاف به اسم تحصیل از اولیای خود نخواهند طلبید و آن همه وجوه را بیهوده تلف نخواهند نمود و خود را گرفتار هزار گونه خطر و امراض خطیره نخواهند ساخت و در مدتی قلیل خود را در تحصیل به مقامات عالیه رسانیده و پس از مراجعت به وطن به نبوت علوم و معارفی که تحصیل کرده‌اند، در وطن خود منتشر می‌سازند. خلاصه این اداره را که این حقیر تأسیس آن را پیشنهاد خود ساخته‌ام، برای دلالت و هدایت نوجوانان ایرانی است و برای اینکه معلوم شود که راهنمایی صحیح چه ثمر مفید و مساعدی دارد، این مطلب را اظهار می‌دارم که جناب مستطاب لقمان‌الممالک چندی قبل تحصیل فرزندان خود را به این حقیر اعتماد نمود. {۶} این نوجوانان به دستورالعمل این حقیر عازم فرنگستان شده و مشغول به تحصیل گشتند و الحق که نقطه‌به‌نقطه پیروی به دستورالعمل این بنده کرده و در عرض ۸ ساله هر سه نوجوان تحصیلات طبیه [طبی] خود را چنان به منتها درجه کمال رسانیدند که در همین ماه اکتبر از انجمن علوم فرانسه دیپلم بدان‌ها داده خواهد شد و به لقب دکتری سرفراز خواهند گشت و این‌که عرض کردم تحصیلات خود را به منتهای درجه کمال رسانیده‌اند، ابداً اغراق نگفته‌ام چه که این سه نوجوان با همت هوشیار پیوسته در امتحانات مدرسه در درجات اول، واقع بوده‌اند و عنان به عنان همدردان فرانسه خود، راه پیموده هیچ‌وقت عقب نیفتاده‌اند و همین‌طور جناب مستطاب معزی‌الیه تربیت و

۱. لاف‌های گزاف

تحصیل فرزند کوچک خود و یکی دیگر از بستگان خودشان^۱ را به این حقیر محول نموده و امیدواری و چشم‌داشتی که از تحصیل این پنج نوجوان محصل منظور است، عن‌قریب به عرصه ظهور خواهند رسانید. اینک ملاحظه فرمایید در صورتی که این حقیر {۷} مقیم ایران و این مرباهای^۲ تربیت حقیر در پاریس بوده‌اند. همان قدر که پیروی دستورالعمل‌های این بنده را کرده‌اند، بدین پایه ترقی برای آن‌ها حاصل شده است. بدیهی است که اگر خود این حقیر در مرکز تحصیل و مواظب حال محصلین باشم نتایج تحصیلات آن‌ها چه مقدار مضاعف خواهد بود. جناب مستطاب لقمان‌الممالک چندان مخارج گزافی برای فرزندان عزیز خود ننمودند چه که به واسطه پیش‌بینی‌های این بنده، جمیع لوازم تحصیل و معیشت این آقازادگان در محل تحصیل و منزل آن‌ها حاضر بود و محتاج به بیرون رفتن و ضمناً تفرج و سیر و صفا کردن که محل سلامتی مزاج و مانع تحصیل و بلائی کیسه است، نبودند. در این اداره که این بنده تأسیس آن را در نظر دارم جمیع اسباب تحصیل و ضروریات حیوه [حیات] موجود خواهد بود و محصلین در هر قدمی که می‌نهند دلیل و هادی خواهند داشت و تربیتی که لازمه تحصیل است، برای آن‌ها ضمناً حاصل خواهد گشت و قصد این حقیر آن است {۸} که این اداره را دارالتربیه لقمانیه نام نهم، چه که منشأ اصلی و منبع حقیقی آن فرزندان جناب مستطاب معزی‌الیه بوده‌اند.

جهت ثانی آن که چون جناب معزی‌الیه این بنده را در رفتن از ایران مختار ساخت، اسباب تأسیس این اداره که منظور است فراهم آوردند.

ثالثاً: برای اینکه این دارالتربیه فی‌الحقیقت شعبه‌ای از مدرسه لقمانیه ایران خواهد گشت مدرسه لقمانیه ایران اطفال ایرانی را برای تحصیل در مدارس اروپا حاضر می‌سازد [می‌سازد] و دارالتربیه لقمانیه پاریس محصلین ایرانی را به تحصیل علوم باز خواهد داشت و انشاءالله تعالی دارالتربیه لقمانیه پاریس، مرکز تربیت جمعی کثیر از نوجوانان ایرانی خواهد گشت که هر یک در تحصیلات خود به درجه کمال رسیده و مقام و به مقامات عالی نائل شوند و چون بر اولیای اطفال محقق شود که آن‌ها چه از حیثیت آموزش محسنات اخلاق، چه از حیثیت تحصیل علوم در نهایت امنیت و اطمینان خواهند بود، فرزندان خود را به سایر نقاط اروپا پراکنده نساخته و مستقیماً ایشان را {۹} به دارالتربیه پاریس که منبع پرورش روحانی نوجوانان ایرانی خواهد گشت، خواهند فرستاد و من برای تأسیس این اساس همکاران صحیح جمع خواهم آورد. برای اولیا اطفال خیلی سهل است که لیاقت و شایستگی و میل طبیعی مرا به خدمت

۱. دکتر لقمان‌الممالک هر سه پسرش را در سال ۱۹۰۱ م. / ۱۳۱۸ ق. برای تحصیل رشته پزشکی به دانشکده پاریس فرستاد و هر سه در سال ۱۹۰۸ م. / ۱۳۲۵ ق. فارغ‌التحصیل شدند پایان‌نامه‌های هر سه فرزند در رشته پزشکی بود و آرزوی دکتر لقمان‌الممالک این بود که هر سه بتوانند به یاری مدرسه لقمانیه بشتابند. فرزند بزرگ‌تر وی، محمدحسن‌خان پایان‌نامه دکتری خود را در بیماری سالک نوشت. پسر دوم محمدحسین خان در بارداری و زایمان و پسر سوم میرزا عباس خان در بیماری طاعون در ایران. همچنین یکی دیگر از بستگان نزدیک دکتر لقمان‌الممالک که در همان دانشگاه درس خواند، برادرزاده‌اش میرزا سعیدخان بود که در بازگشت به ایران نیز او لقمان‌الملک لقب گرفت. (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۷۷)

۲. پرورش یافته.

بنی نوع استفسار نموده و اطمینان یابند. این بنده به آواز بلند به پدران هر خانواده می‌گویم: اطفال خود را به این حقیر اعتماد کنید شما طفل عاری از معرفت خود را به بنده خواهید سپرد و من آن‌ها را انسان کامل یعنی با علم و معرفت و دارای جمیع معانی که از انسان کامل مفهوم می‌شود، به شما مسترد خواهم ساخت و چون اداره دارالتربیه لقمانیه بسطت^۱ و وسعتی که این حقیر منظور دارم حاصل نمود، یکی از ادبا و فضلالی ایرانی را اجیر خواهم نمود که علوم ادبیه لازمه وطن آن‌ها را بدیشان [به ایشان] بیاموزد که از این هنر نیز بی‌بهره نمانند و نیز قصد آن دارم که اداره مخصوصی تأسیس نمایم که اولاً هر مسافر که از ایران به قصد معالجه امراض یا کارهای شخصی و تجارتنی یا فقط برای سیاحت و تفرج وارد پاریس می‌شود {۱۰} قبل از عزیمت [از] ایران تقریباً از مقدار مخارج سفر و اقامت خود در پاریس مطلع بوده و در ورود به پاریس دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌های لازمه بدو داده شود که از کیسه بری طراران، چنان‌که اغلب برای هم‌وطنان ایشان اتفاق افتاده است، ایمن بمانند.

مخارجی که اولیای محصلین از بابت کرایه منزل و قیمت خوراک و صرف روشنایی و بخاری و پول جیب و اجرت محافظت و اصلاح ملبوسات و رخت‌شویی و حقوق معلمین و مذاکرات درس‌های ایشان مطابق تعرفه معموله مدارس رشدیه پاریس باید در سه قسط بپردازند، از این قرار است و اگر اولیای اطفال میل داشته باشند که قیمت لباس و صرف جیب فرزند خود را زیاده بر معمول مقرر دارند، مختارند و در صورتی که خدای‌نخواستہ کسالتی تعارض شاگردان شود که طبیب لازم گردد، مخارج آن بر عهده اولیای اطفال است که پس از اطلاع بپردازند {۱۱}.

سن شاگرد	حقوق تعلیمات سالیانه و غیره و غذا و منزل ^۲	اجرت محافظت و اصلاح ملبوسات	پول صرف جیب
۶	۲۶۱۰	۱۵۰	۶۰
۷	۲۷۱۰	۱۵۰	۶۰
۸-۱۰	۲۸۵۰	۱۵۰	۶۰
۱۱-۱۳	۳۱۵۰	۲۰۰	۱۰۰
۱۴-۱۶	۳۴۸۰	۲۵۰	۱۸۰
۱۷	۳۸۴۰	۳۰۰	۲۴۰
زیاده بر ۱۷	۴۳۶۵	۴۰۰	۳۶۰

۱. توسعه دادن.
۲. ارقام عبارت از فرانک است.

اگر شاگرد به علاوه درس‌های معموله مطابق میل اولیا، بخواهد تحصیل علوم و صنایع مستحسنه بپردازد حقوق معلمین و مخارجی فوق‌العاده که {۱۲} برای آن تحصیلات لازم است، بر عهده اولیای اطفال خواهد بود که مطابق معمول باید پرداخته شود. چون ابتدا برای شاگرد تغییر لباس لازم است قیمت متوسط آن‌ها و کرایه راه را محض اطلاع اولیای اطفال لازم است که اعلان نماییم.

۱	مخارج مسافرت از بادکوبه پاریس در درجه اول	۷۵۰ فرانک
۲	قیمت چند دسته لباس	۸۰۰ فرانک
۳	قیمت یک والیزه ^۱	۵۰ فرانک
۴	قیمت اسباب لازمه	۱۵۰ فرانک
جمع		۱۷۵۰ فرانک

اگرچه سفر کردن در درجه دوم و سیم چه در راه‌آهن و چه در کشتی، خیلی ارزان‌تر از این وجه تمام می‌شود ولیکن برای همه کس به خصوص برای طفل خیلی ناراحت و خطرناک است. {۱۳}

صورت اقساط به ترتیبی که در مدارس رشدیه پاریس معمول است:

سن شاگرد	۳ عشر قسط اول در غره ^۱ اکتبر [برحسب فرانک]	۳ عشر قسط دوم در غره ^۲ ژانویه	۴ عشر قسط سیم در غره ^۳ آوریل ^۲
۶	۷۸۳ فرانک	۷۸۳ فرانک	۱۰۱۴ فرانک
۷	۸۱۳	۸۱۳	۱۰۸۴
۸-۱۰	۸۵۵	۸۵۵	۱۱۴۰
۱۱-۱۳	۹۴۵	۹۴۵	۱۲۶۰
۱۴-۱۶	۱۰۴۴	۱۰۴۴	۱۳۹۲
۱۷	۱۱۵۲	۱۱۵۲	۱۵۳۶
زیاده بر ۱۷	$۱۳۰۹ \frac{۱}{۴}$	$۱۳۰۹ \frac{۱}{۴}$	۱۷۴۵

۱. valise کلمه‌ای فرانسوی به معنای چمدان

۲. اول ماه

۳. سررسید پرداخت اقساط به صورت سه ماهه و به ترتیب ماه‌های (اکتبر، ژانویه و آوریل) بیان شده است.

چون شاگردان در اول حرکت باید قسط اول مخارج خود را همراه داشته باشند و به‌علاوه کرایه مسافرت از بادکوبه تا پاریس {۱۴} و قیمت ملبوسات و اسباب لازمه سابق‌الذکر با آن‌ها باشد. جمع آن‌ها مطابق قلمداد ذیل خواهد گشت و پس از آن اولیای اطفال قسط دوم و سوم را مطابق جدول [صفحه] ۱۴ به‌موقع حواله خواهند نمود. {۱۵}

سن شاگرد [بر حسب سال]	مخارج اولیه و کرایه راه و قسط اول [بر حسب فرانک]
۶	۲۵۳۳
۷	۲۵۶۶
۸-۱۰	۲۶۰۵
۱۱-۱۳	۲۶۹۵
۱۴-۱۶	۲۷۹۴
۱۷	۲۹۰۲
زیاده بر ۱۷	$۳۰۵۹ \frac{1}{4}$

□ درباره هانری رنارد:

نام خانوادگی ایشان در منابع به صورت «رنار» و یا «رنارد» درج شده است. در این بخش متناسب با متن اصلی از «رنار» یا «رنارد» استفاده کرده‌ایم (تصویر-۲).

هانری رنار سال‌ها استاد زبان فرانسه در استانبول بود. وی در سال ۱۸۹۹م. (۱۳۱۶ ق) به شهر تبریز رفت و معلم سرخانه دربار ولیعهد (محمدعلی میرزا) شد.^۱ با گشایش مدرسه لقمانیه^۲ تبریز، رنار به مدیریت مدرسه منصوب شد و چندی هم ریاست داروخانه این مدرسه را بر عهده گرفت. وی همچنین به همراه هیوله^۳ تدریس فرانسه را پیش می‌برد. (ناطق، ۱۳۷۵: ۶۹) زنده‌یاد حسین امید مدیر این مدرسه را لقمان‌الممالک معرفی کرده است، اما پیشتر کارها به نیابت از وی توسط سید صادق ادیب‌الممالک فراهانی انجام می‌گرفته است. (امید، ۱۳۳۲: ج ۱، ۵۷) اما با توجه به اشاره به نام هانری رنار

۱. سید حسن تقی‌زاده هم در خاطرات خود از مسیو رنار به‌عنوان معلم زبان فرانسه محمدعلی‌شاه [محمدعلی میرزا] نامبرده است. رک: تقی‌زاده، سید حسن. زندگی طوفانی: خاطرات سید حسن تقی‌زاده، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: علمی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹.

۲. زنده‌یاد حسین امید مدرسه لقمانیه را یکی از مهم‌ترین مدارس شهر تبریز قبل از دوره مشروطه معرفی کرده است. این مدرسه در رجب سال ۱۳۱۷ ق. افتتاح و در اندک زمانی به یکی از مدارس معروف تبدیل شد و در سال ۱۳۲۱ ق. همانند مدارس دیگر شهر تبریز غارت و تعطیل شد و مجدداً در سال ۱۳۲۳ ق. با تلاش لقمان‌الممالک مجدداً افتتاح شد. (امید، ۱۳۳۲، ج ۱: صص ۵۷ و ۶۱) از سرگذشت این مدرسه پس از مرگ لقمان‌الممالک در سال ۱۹۱۹ م. / ۱۳۳۷ ق. و در سال‌های جنگ داخلی و اشغال تبریز به دست روس‌ها چیزی نمی‌دانیم. (ناطق، ۱۳۷۵: ص ۷۷)

3. Hiollet

به‌عنوان مدیر مدرسه لقمانیه در نامه به وزیر خارجه فرانسه در تاریخ ژانویه سال ۱۹۰۵م. / ذیقعدہ ۱۳۲۲ق. و نیز اعلان بازگشایی مجدد مدرسه در سال ۱۳۲۳ق. به مدیریت رنار (ناطق، ۱۳۷۵: صص ۲۳۹ و ۳۲۰) درمی‌یابیم که او در این بازه زمانی مدیر مدرسه بوده است. با توجه به این‌که به تاریخچه دقیق این مدرسه دسترسی نداریم و مطالب منابع مختلف درباره مدیر مدرسه لقمانیه متفاوت و متضاد به نظر می‌رسد، رنار مدتی مدیر این مدرسه بوده باشد.

در سال ۱۹۰۳م. به ابتکار رنار، مدیر مدرسه لقمانیه ایرانی و پزشک فرانسوی ولیعهد محمدعلی میرزا، کمیته منطقه‌ای آلیانس فرانسه در تبریز افتتاح شد. همچنین پس از ذکر وقایع سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۸ به پایان قرارداد رنار با دولت ایران و ترک تبریز اشاره شده است. هنگامی که ایشان به پاریس بازگشت، تصمیم گرفت بنیادی ایجاد کند تا به دانشجویان ایرانی در مراحل اداری کمک کند. وی در همین راستا از دولت ایران خواست تا وی را به‌عنوان سرپرست دانشجویان اعزامی منصوب کند و بیان کرده‌اند از آنجایی که کسی برای نظارت بر این محصلان وجود ندارد، آن‌ها به‌ندرت پیشرفت می‌کنند و هیچ حق‌الزحمه‌ای برای این کار نمی‌خواهد و فقط از طرف دولت ایران به این سمت منصوب شود. اگر اعلیحضرت آن را مفید بدانند، دولت حکمی برای او صادر نمایند. بدین ترتیب او احساس عزت می‌کند و زندگی دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند. (کوچک‌زاده، ۲۰۱۶: ۲۴۳-۲۲۱، ۲۴۴) (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۴۲)

با موافقت دولت ایران کمیته‌ای به نام دارالتربیت در پاریس تأسیس شد. این کمیته وابسته به مدرسه لقمانیه و به سرپرستی رنار در شهر پاریس و لقمان‌المالک در تبریز فعالیت می‌کند. اعضای کمیته‌ای که در پاریس هستند متعهد می‌شوند که به دانشجویان ایرانی مقیم این شهر اطلاع‌رسانی کنند و تحصیل آن‌ها را تسهیل کنند و آن‌ها را در مراحل اداری راهنمایی کنند. اعضای مقیم ایران وظیفه تشویق فارغ‌التحصیلان ایرانی را برای تأسیس مدارس جدید که آموزش زبان فرانسه در آن نقش زیادی دارد، بر عهده گرفتند. آن‌ها همچنین در توسعه مدارس فرانسوی موجود در ایران همکاری می‌کنند. (همان، ص ۲۴۴) در آرشيو وزارت خارجه به مؤسسه‌ای به نام لقمانیه اشاره شده است که به‌وسیله هانری رنار در پاریس مشغول به فعالیت برای خدمات‌دهی به دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه است که دولت ایران سالیانه شش صد تومان کمک‌خرج سالیانه به این مؤسسه اهدا می‌کرده است. در ۲۱ مارس سال ۱۹۲۷م/ ۲۹ اسفند ۱۳۰۵ش. این کمک مالی قطع می‌شود و رنار در تیرماه سال ۱۳۰۹ش. از تیمورتاش درخواست می‌کند که معوقه کمک مالی را پرداخته و سپس کمک‌ها همچنان استمرار می‌یابد. تیمورتاش از وزارت فرهنگ می‌خواهد که به درخواست رنار ترتیب اثر داده شود. (شهرزایی، ۱۳۸۲: صص ۶۳-۶۴)

با توجه به یادداشت‌های شخصی محمدعلی فروغی، در تاریخ چهارم صفر سال ۱۳۲۲ق.

(۱۲۸۳ ش.) دکتر رنار^۱ در دستگاه محمدعلی میرزا فعالیت داشته، هر چند نسبت به شاهزاده نظر مثبتی نداشته است. (افشار، ۱۳۹۴: ۱۲۰) محمدعلی فروغی جهت شرکت در کنفرانس صلح پاریس، چندین بار مسیو رنار را ملاقات کرده و در یادداشت‌هایش به بیان برخی از نظرات وی پرداخته است (افشین وفایی و فیروز بخش، ۱۳۹۴: صص ۱۳۸-۱۳۹ و ۱۵۴) در نامه میرزا موسی خان توپچی به سید حسن تقی‌زاده که پاکت دارای مهر ورودی طهران [تهران] به تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۱۰ م. (۱۲۸۹ ش.) است از مسیو رنار به شرح زیر نامبرده شده است (افشار، ۱۳۵۹: ۴۱۵)

«رنارد فرانسوی در پاریس نشسته و آتش‌بیار این قبیل اشخاص است و به قول ایرانیان پاریس نماینده دربار اودسا شده و به خود اسم نمایندگی وزارت علوم ایران را گذاشته است. سفارت پاریس او را هم به جزای خود رسانید. ولی بدبختی در این است که دو سه نفر از هم‌وطنان که اسمشان را عجلتاً نمی‌برم، بدون معرفی این شخص را از سفارت فرانسه و دولت فرانسه بخواهند و بدانند که سابقه اعمال او چه بوده و حالا تا چه اندازه مردود دنیا است، اولاد خودشان را به او سپرده‌اند و این بیچاره‌ها از صبح تا شام باید متحمل فحش و هتاک‌های این شخص به دین و مذهب اسلام باشند.»

آقای علی‌اصغر رحیم‌زاده صفوی، نظرشان درباره مسیو رنارد در کتاب خاطراتشان به شرح زیر است:

«در پاریس شخصی بود به نام مسیو رنارد. این شخص در پوستین ایرانی خود را می‌پیچید و چپقی بلند مانند چپق‌های سردمداران خودمان با توتون ایرانی می‌کشید. اثنائیه اتاقلش هم غالباً ایرانی بود و به همین ظواهر کفایت کرده بود که اعیان و محترمین ایرانی او را سرپرست اولاد خود قرار دهند، دیگر نظری به افکار و عقاید او نداشتند. روزی برای ناصرالملک حکایت کردم که مسیو رنارد می‌گوید ایران یک مملکت هماهنگ نیست و قطعاً تجزیه خواهد شد. مگر ملیون دو آتشه و متعصب ایران، آن شاهنشاهی پهناور را که تا دیروز بنا بر مقتضیاتی برجا مانده بود، بعد از این در خواب ببینند.» (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۶۳: ۲۹)

همچنین علاوه بر موارد یاد شده می‌دانیم ایشان در اواخر دوره قاجار و نیز دوره رضاشاه پهلوی مسئولیت‌هایی در خصوص محصلین ایرانی خارج از کشور به‌عهده داشته‌اند.

● «پرداخت کمک‌خرج و اعانه دارالعلم طلاب ایرانی در پاریس به مسیو رنارد - ۱۳۷۰/۳/۱۳۲۹۸-۱۴۸۶» (سامانه قوانین و مقررات) اما جزییات بیشتری درباره آن در دسترس نیست. (تصویب‌نامه در خصوص مصوبات منسوخ از تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۰۵ تا ۱۳۹۹/۱۲/۲۹ هیأت وزیران)

۱. در مورد تحصیلات آقای هنری رنارد، نگارنده به سندی دسترسی ندارد. اما در کتاب تاریخ روابط ایران و فرانسه؛ از ترور ناصرالدین‌شاه تا جنگ جهانی اول تألیف ابوالحسن غفاری، ص ۱۷۵ از رنارد به‌عنوان پزشک خصوص محمدعلی میرزا ولیعهد نام برده‌اند.

● در ماده ۱۱، اساسنامه صندوق استقراض محصلین ایرانی، از هانری رنار به‌عنوان یکی از اعضای هیات مدیره نامبرده شده است. تاریخ این سند [۹/۱۰/۴] [۹/۱۰/۴] ۱۳۰۹/۱۰/۴ ش. است. (نویسی و ملک‌زاده، ۱۳۸۱: صص ۲۶۰-۲۶۱)



تصویر ۲. «مسیو رنارد رئیس دواخانه سرکاری» و «خانواده مسیو رنارد کنار کرسی» (تصاویر از مجموعه آقای کامران نجف‌زاده)

دکتر زین العابدین لقمان الممالک ۱۲۷۷-۱۳۳۷ق. / ۱۸۵۵-۱۹۱۹م.

با توجه به این‌که از رنار به‌عنوان دوست پارسی لقمان الممالک نامبرده شده است (غفاری، ۱۳۶۸: ۱۷۵) و نام مؤسسه دارالتربیه لقمانیه برگرفته از نام مدرسه لقمانیه و یا به‌عنوان شعبه‌ای از آن مطرح شده بود و مسیو رنار در لایحه پیشنهادی به دستورالعمل خود برای تحصیل فرزندان لقمان الممالک (تصویر ۳) و نیز سرپرستی فرزند کوچک و یکی از بستگان ایشان اشاره کرده است، اشاره مختصری به دکتر زین العابدین لقمان الممالک مؤسس مدرسه لقمانیه تبریز (تصویر ۴).

شایان ذکر است مدرسه لقمانیه مدتی از کمک هزینه‌های آلیانس فرانسه تبریز (تأسیس سال ۱۳۲۰ق. و گشایش یک سال بعد) بهره‌مند بوده است. (سلطانیان، ۱۳۸۹، صص ۶۷ و ۷۹) زین العابدین خان لقمان الممالک فرزند فخرالاطبا بود که با ناصرالدین‌شاه در سفر سومش به اروپا همراه بود و شاه از او بارها یاد می‌کند و گاه بر رفتار او خرده می‌گیرد فرزند او دکتر لقمان در پاریس درس خواند و از دوستان زیاد وفادار فرانسویان باقی ماند. این پزشک از سوی دولت فرانسه به نشان لژیون دونور^۱ نیز آراسته شد. در بازگشت به خدمت ولیعهد مظفرالدین میرزا درآمد و در ۱۳۰۲ق. / ۱۸۸۵م. به معین‌الاطبا و سپس به لقمان الممالک ملقب شد. درباره زندگی او کم نوشتند حتی احمد کسروی که

1. Légion d'honneur

اشاره کوتاهی به تاریخچه مدارس تبریز دارد، از دکتر لقمان نام می‌برد و یاد نمی‌کند. مهدی بامداد در زندگی‌نامه کوتاهی که از او به‌دست داده است او را فرزند فخرالاطبا (میرزا محمدخان کنی) می‌خواند که پزشک مظفرالدین شاه بود. ناظم‌الاسلام کرمانی از فخرالاطبا به‌عنوان برادر لقمان‌الممالک یاد می‌کند. اما در ربط کارنامه فرهنگی این پزشک جملگی خاموش مانده‌اند. از پرونده‌های تحصیلی که دکتر شنیدر^۱ حکیم‌باشی دربار در ربط با دانشجویان ارسالی به فرانسه آراست، به اینجا می‌رسیم که دکتر لقمان از جمله شاگردانی بود که در زمان ناصرالدین‌شاه برای تحصیل در رشته پزشکی به پاریس فرستاده شد و در این سال لقب معین‌الاطبا داشت وی از ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۵ م./۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ ق. در پاریس درس خواند. در سال ۱۸۹۴ م./۱۳۱۱ ق. و بنا به گزارش خودش به وزیر خارجه فرانسه به نمایندگی از سوی دولت ایران در کنفرانس جهانی بهداشت شرکت کرد. در بازگشت از این سفر دراز بود که به خدمت ولیعهد درآمد و لقب لقمان‌الممالک و حکیم‌باشی گرفت. (ناطق، ۱۳۷۵: ۶۷)



تصویر ۳. رئیس، استادان و دیگر کارکنان مدرسه لقمانبه شهر تبریز. از راست نشسته: (دکتر) محمدحسین خان لقمان‌الدوله، میرزا محمدخان حشمت‌الممالک، عزیزخان خواجه، میرزا زین‌العابدین خان لقمان‌الممالک، دکتر کین، مسیو (هانری) رنار، ایستاده از چپ: عباس خان لقمان آدهم، آلم‌الملک، محمدحسین خان آلم‌الدوله، نوجوان شناخته‌نشده (از مجموعه تصاویر و توضیحات منتشر شده آقای محمدرضا طهماسب‌پور)

1. Schneider



تصویر ۰۴. معلمان و شاگردان مدرسه لقمانیه شهر تبریز در سال ۱۳۱۷ق. به همراه مسیورنارد (از تصاویر مجموعه آقای ابراهیم پورحسین خونیک و تصاویر منصوبه در راهروی سازمان اسناد و کتابخانه ملی شمال غرب کشور تبریز (۱۳۹۵/۰۷/۱۹))

نتیجه گیری

از دوره ناصرالدین شاه قاجار موضوع اعزام محصل به خارج از کشور نسبت به قبل، از نظم بیشتری برخوردار شد و با افزایش اعزام محصل از طرف حکومت و خانواده‌های مشهور و ثروتمند، موضوع تعیین سرپرست برای محصلین اعزامی از سوی دولت و حتی خانواده‌ها اهمیت بیشتری یافت.

توصیف مشکلات محصلین ایرانی در خارج از کشور در دوره قاجار و راهکار پیشنهادی رنارد جالب و قابل توجه است. سرنوشت نهایی و دقیق پیشنهاد رنارد در خصوص چگونگی مدیریت محصلان خارج از کشور در دسترس نیست، خانم لیلا کوچک‌زاده در پایان‌نامه دوره دکتری به پذیرش این پیشنهاد از سوی دولت وقت ایران اشاره کرده‌اند که جزییات دقیق فعالیت این مؤسسه منوط به دسترسی به منابع و مستندات بیشتر است. به هر حال

آقای رنارد در این زمینه فعالیت‌هایی داشته‌اند که در خاطرات افرادی نظیر علی‌اصغر رحیم‌زاده صفوی و ... منعکس شده است.

همچنین می‌دانیم فعالیت رنارد محدود به دوره قاجار نبوده است و حتی در دوره پهلوی اول نیز در سال ۱۳۰۹ شمسی از اعضای هیات مدیره «صندوق استقراض محصلین ایرانی» بوده است.

◇ محدودیت‌های پژوهش:

- عدم دسترسی به پژوهش‌ها و مستندات فرانسوی زبان
- عدم دسترسی به منابع وزارت امور خارجه^۱

◇ پیشنهاد پژوهش‌های بیشتر:

- بررسی تاریخچه و عملکرد مدرسه لقمانیه شهر تبریز
- بررسی تاریخچه صندوق استقراض محصلین ایرانی
- بررسی عملکرد آقای هانری رنارد و مؤسسه لقمانیه در پاریس
- انتشار ترجمه فارسی پایان‌نامه دکتری خانم لیلا کوچک‌زاده در دانشگاه مونترال با عنوان:

L'influence du système scolaire français sur le système scolaire iranien de l'inauguration de l'école Dar ol-Fonoun jusqu'à la fin de l'époque des Qâdjârs (1851-1925)

۱. متأسفانه علاوه بر اسناد، فهرست اسناد وزارت امور خارجه به صورت برخط (آنلاین) در دسترس پژوهشگران نیست و افراد برای مشاهده فهرست بایستی به صورت حضوری به آن مجموعه مراجعه کنند، امیدوارم تمهیداتی برای این امکان، از سوی مسئولین آن حوزه اندیشیده.

منابع

۱. افشار، ایرج (۱۳۵۹)، اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۲. افشار، ایرج (۱۳۸۸)، ایرانشناسی: تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی (۶۳)، بخارا، ۷۱.
۳. افشین وفاپی، محمد و فیروز بخش، پژمان (۱۳۹۴)، عقاید محمدعلی فروغی دربارهٔ بعضی رجال و مسائل سیاسی مقارن ایام کنفرانس صلح پاریس (از میان یادداشتهای منتشرنشده او)، بخارا، ۱۰۵.
۴. اقبال، عباس (۱۳۰۵)، اعزام محصل به پاریس، تعلیم و تربیت، ۴.
۵. اقبال، عباس (۱۳۰۵)، اعزام محصل به پاریس، تعلیم و تربیت، ۵.
۶. امید، حسین (۱۳۳۲)، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۱، تبریز: اداره فرهنگ استان.
۷. آذری شهرضایی، رضا (۱۳۸۲)، نگاهی به روابط فرهنگی ایران و فرانسه (۱۳۲۰-۱۳۸۵/۱۲۸۵-۱۹۴۰/۱۹۰۶)، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.
۸. بوچانی، ابراهیم و عمادی، سید حسین (۱۳۹۳)، اعزام محصل در عصر قاجار و انتقاد به این روند در پرتو دو سند، پیام بهارستان، ۲۳.
۹. بیگدلی، علی و قلاوند، فاطمه (۱۳۹۳)، نظریات اقتصاددانان کلاسیک در نوشته‌های نخبگان روزنامه‌های دوره قاجار از عهد ناصری تا مشروطه (۴۶۲۱ ه. ق. / ۴۴۱۱ م. / تا ۴۲۶۱ ه. ق. / ۴۰۹۲ م. /)، پژوهش‌های تاریخی، ۲۴.
۱۰. پویان مهر، علی (۱۳۹۰)، اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار، پیام بهارستان، ۱۳.
۱۱. خانشقاقی، حسینقلی (۱۳۶۲)، خاطرات ممتحن‌الدوله، تهران: نشر فرهنگ، چاپ دوم.
۱۲. ذوالفقاری، حسن. بدایه‌القرا، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تاریخ آخرین به‌روزرسانی: ۱۳۹۸/۱۰/۰۶، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲، قابل مشاهده در: <https://www.cgie.org.ir/fa/artcle/239310/%D8%A8%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%87>
۱۳. رحیم‌زاده صفوی، علی اصغر (۱۳۶۲)، خاطرات رحیم‌زاده صفوی؛ اسرار سقوط احمدشاه، به کوشش بهمن دهگان، تهران: فردوسی.
۱۴. مولف‌الدوله، عبدالحسین (۱۳۲۸ ق.)، بدایه‌القرا، [چاپ سنگی]، تهران: [بی‌نا].
۱۵. زینی، محمدعلی (۱۳۸۸)، یادداشتهای فرهنگی محمدعلی زینی در تبریز، تعلیق و حواشی: هادی هاشمیان، پیام بهارستان، دوره ۲، ۳.
۱۶. سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲)، اعزام محصل به خارج از کشور: در دورهٔ قاجار تهران: چاپ و نشر بنیاد.
۱۷. سلطانیان، ابوطالب (۱۳۸۹)، کارکرد نهادهای آموزشی فرانسه در ایران از اوایل دوره قاجار تا جنگ جهانی اول، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۴۳، ۱.
۱۸. صفایی، ابراهیم (۱۳۵۳)، آئینه تاریخ، [تهران]: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
۱۹. غفاری، ابوالحسن (۱۳۶۸)، تاریخ روابط ایران و فرانسه؛ از ترور ناصرالدین‌شاه تا جنگ جهانی اول (۱۳۳۳-۱۳۱۳ ه. ق.)، تهران: نشر دانشگاهی.
۲۰. فردیاری، مهرداد (۱۳۹۳)، گزارش مأموریت محرمانه سفیر ناصرالدین‌شاه قاجار در پاریس در مورد نخستین سفر فرنگ، پیام بهارستان، ۲۴.
۲۱. فردیاری، مهرداد (۱۴۰۱)، ناله متعلمین، گنجینه دارالفنون، ۱۷.
۲۲. مرادی‌نژاد، حسین و پژوم شریعتی، پرویز (۱۳۵۳)، پژوهشی درباره فرستادن دانشجو به خارج در دوره قاجار و پهلوی، مطالعات جامعه‌شناختی، ۴.
۲۳. میر انصاری، علی (۱۳۷۶)، نمایشنامه‌ای تازه‌یاب از میرزاده عشقی، گنجینه اسناد، ۲۷ و ۲۸.
۲۴. ناطق، هما (۱۳۷۵)، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، پاریس: خاوران.
۲۵. نوایی، عبدالحسین و ملک‌زاده، الهام (۱۳۸۲)، دانشجویان ایرانی در اروپا: اسناد مربوط به قانون اعزام محصل (از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۲۶. تصویب‌نامه [نتیجی] در خصوص مصوبات منسوخ از تاریخ ۱۲۸۸/۱۱/۰۵ تا ۱۲۹۹/۱۲/۲۹ هیأت وزیران، سامانه قوانین و مقررات، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷ قابل دسترسی در: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/296775>

27. Koochakzadeh, Leila. (2016). L'influence du système scolaire français sur le système scolaire iranien de l'inauguration de l'école Dar ol-Fonoun jusqu'à la fin de l'époque des Qâdjâr (1851-1925), PhD thesis, Montréal University